هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



دولت داری و نظام سازی یک نعمت الهی است. هرگاه دولت و نظام سیاسی منظم وجود نداشته باشند، بحران و هرج و مرج حاکم می شود.

از فرموده های استاد شهید

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۲۸) ۲۲ میزان ۱۳۹۱ ۲۷ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۳ - 13 October 2012

بعد از ۱۱ سال



رئیس جمهور کرزی بار دیگر به انتقاد از امریکایی ها پرداخته می گوید که آنها علیه ما دست به جنگ روانی می زنند و می گویند که افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ دچار بحران خواهد شد این تبلیغات برای آنست تا ما به ادامهٔ حضور آنان در افغانستان راضی شویم.

ص۲

طی یک ماه تقویم انتخابات ریاست جمهوری اعلام می شود

مصباح شعیب

روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته (۱۸ میزان) قضاوت پوه فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در نشستی با حضور نمایندگان احزاب سیاسی، جامعهٔ مدنی و رسانه ها در مقر این کمیسیون روی حل مشکلات موجود در روند انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی، کارت رأی دهی و هزینهٔ این پروسهٔ ملی روشنی انداخته گفت که، تا یک ماه دیگر تقویم انتخابات ریاست جمهوری را اعلام می نماید و وکالت انتخابات را به کسی دیگری نمی دهد و از همه خواست که وکالت دیگری را قبول نه نمایند. زیرا خیر و شر انتخابات مربوط کمیسیون مستقل انتخابات می گردد.

به گفتهٔ آقای معنوی، در خواست آنان برای حدود هشتاد میلیون دالر امریکایی جهت آغاز برنامهٔ ثبت نام رأی دهندگان، از سوی جامعهٔ بین المللی پذیرفته نشده است و یک صد و پنجاه میلیون دالر دیگر برای برگزاری انتخابات نیاز است.

اما یان کوبیش نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد در افغانستان نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی در همین روز، گفته است که، جامعهٔ جهانی آماده است تا از انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری در افغانستان حمایت نماید. آقای یان گفت که، جامعهٔ بین المللی آماده است منابع مالی را برای برگزاری انتخابات شفاف در افغانستان فراهم کند اما به مقدار آن اشاره ای نداشت.

آقای معنوی نیز به برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه تأکید داشته گفت: آمادگی ها جهت برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه جریان دارد و تلاش صورت می گیرد که میکانیزمی را به وجود بیاورند، تا انتخابات آیندهٔ افغانستان عاری از هر نوع تقلب باشد. وی ثبت نام مجدد رأی دهندگان را ضروری پنداشت. به گفتهٔ رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، قرار است انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در جریان یک روز برگزار گردد. مطابق قانون، انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در ماه حمل ۱۳۹۳ باید برگزار شود. به همین گونه، رئیس جمهور کرزی نیز در سخنرانی هفتهٔ گذشته اش اطمینان داد که انتخابات ریاست جمهوری آیندهٔ افغانستان مطابق قانون اساسی کشور به وقت معین آن و بدون هر نوع مداخلهٔ داخلی و خارجی برگزار خواهد شد.

هفتهٔ پیش، از سوی گروه بین المللی بحران در مورد بی ثباتی افغانستان پس از ۲۰۱۴ و اینکه به نظر می رسد رئیس جمهور کرزی علاقمند است، تا با استفاده از هر وسیلهٔ قدرت خودش را دایمی بسازد، گزارشی به نشر رسیده بود که محتوا و جزئیات آن از سوی حکومت افغانستان رد شد.

از امضای پیمان راهبردی کدام یک سود می برد؟ (افغانستان یا پاکستان)

*نذرالله عنایت

آنگونه که از سوی رسانه ها به نقل از مقامات وزارت خارجه گفته شده، قرار است آقای زلمی رسول وزیر امور خارجهٔ کشور در آیندهٔ نزدیک به هدف بحث روی سند همکاری های راهبردی میان کابل و اسلام آباد به پاکستان سفر نماید.

رئیس جمهور گفته است: موافقتنامهٔ راهبردی با اسلام آباد را پس از پذیرفتن شرایط افغانستان از سوی پاکستان امضا خواهد کرد. اما وزارت خارجه از سفر زود هنگام وزیر خارجهٔ کشور به پاکستان خبر می دهد. معلوم نیست که شرایط مهم و محسوس افغانستان در امضای این سند با پاکستان کدام موارد می باشد. اما برخی از گزارش ها حاکی از آن است که، متوقف شدن حملات راکتی پاکستان بر مناطق شرقی افغانستان، از بین بردن مخفی گاه های شورشیان در خاک پاکستان و متوقف ساختن فرستادن شورشیان به افغانستان مهم ترین پیش شرط های افغانستان برای امضای این سند می باشد.

موضوع امضای سند همکاری ها میان افغانستان و پاکستان چندی پیش در نشست سه جانبهٔ افغانستان، پاکستان و بریتانیا در نیویارک مطرح شد. تمایل برای امضای این سند در حالی مطرح می گردد که شماری از اعضای مجلس نمایندگان و احزاب سیاسی با امضای موافقتنامهٔ راهبردی بین کابل و اسلام باد مخالفت کرده اند.

خانم فوزیه کوفی نمایندهٔ مردم بدخشان در مجلس نمایندگان در تماس با مجاهد گفت: امضای پیمان همکاری های استراتیژیک با پاکستان، ص۵

هشدار رئیس جمهور کرزی و واکنش طعنه آمیز وزیر دفاع امریکا





* محمداکرام اندیشمند

اظهارات رئیس جمهور کرزی (۴ اکتوبر۲۰۱۲) مبنی بر خرید اسلحه از کشورهای روسیه، چین و هند واکنش خشم آلود و طعنه آمیز وزیر دفاع ایالات متحده امریکا را بر انگیخت. لئون پانه تا وزیر دفاع امریکا یک روز پس از ابراز نظر رئیس جمهور افغانستان نارضایتی و ناامیدی خود را بیان داشت و در واقع رئیس جمهور کرزی را متهم به قدر ناشناسی کرد. او گفت مناسب آن بود تا آقای کرزی به جای انتقاد از قربانی های امریکاییان که برای افغانستان جنگیدند و جان دادند، سپاسگزاری می نمود. وزیر دفاع ایالات متحده در جمع خبر نگاران گفت که، بیش از دو هزار امریکایی در جنگ برای تأمین امنیت و حق حاکمیت افغانستان کشته شده اند.

اگر واکنش خشم آلود و طعنه آمیز وزیر دفاع ایالات متحده در برابر رئیس جمهور کرزی به قول پانه تا ناشی از قدرناشناسی باشد که دو هزار امریکایی در واقع برای حاکمیت او کشته شدند، انگیزه های رئیس جمهور کشور ما در این اظهارات ناشی از چیست؟ از آن مهمتر، آیا اظهارات رئیس جمهور با منافع و مصالح افغانستان همسویی و همخوانی دارد؟ زمینه های اجرایی و عملی آن تا چه حدی متصور و مساعد است؟

رئیس جمهور کرزی در توهم بازی با سیاست های سردار محمد داود:

صرف نظر از این فرضیه که رئیس جمهور در پی ترساندن امریکایی ها است، آیا رئیس جمهور کرزی در صدد آن است تا خود را در نقش سردار محمد داود بنمایاند و در تبعیت از سیاست های او ظاهر شود؟

محمد داود با سیاست گوگرد روسی و سگرت امریکایی در شطرنج ص۷

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

۱۱ سال حضور نیروهای ائتلاف بین المللی و جنگ ناتمام!

۱۱ سال از حملات نیروهای ائتلاف جهانی در کشورما می گذرد، به تاریخ ۷ اکتوبر سال ۲۰۱۱ میلادی زمانی که طالبان در افغانستان حاکمیت داشت و نیروهای مقاومت در برابر طالبان و تروریزم بین المللی در مبارزه بود، نیروهای ائتلاف جهانی به رهبری امریکا به انتقام از کشته شدن حدود سه هزار امریکایی در حادثهٔ ۱۱ سپتامبر، از طریق بحر هند حملات موشکی را بالای پایگاه و استحکامات رژیم طالبان آغاز نمود.این حمله زمانی به وقوع پیوست که سران رژیم طالبان از تسلیم نمودن اسامه بن لادن که گفته می شد طراح حملهٔ حادثهٔ ۱۱ سپتامبر در امریکاست، سرباز زدند.متعاقب آن هواپیمای بزرگ امریکایی که حیثیت میدان پرواز و سوخت گیری و هدایت را برای هواپیماهای بدون سرنشین داشت و در افغانستان به نام طیارهٔ چوچه دار مشهور بود، در فضای کشور نمایان گشت، مراکز طالبان را هدف قرار داد، خسارات مالی و جانی را به گروه طالبان وارد کرد. حتا قسمت بزرگی از زیربناها و تأسیسات نظامی و عام المنفعه نیز منهدم شد و از بین رفت.

به گفتهٔ آگاهان امور، ابتدا نیروهای ائتلاف جهانی بدون هماهنگی نیروهای مقاومت، بدین باور بودند که به تنهایی می توانند طالبان و تروریزم را نابود و مدیون احسان مقاومتگران نباشند و یا اینکه اهداف دیگری را در پی داشتند. بدینگونه حملات هوایی و توپخانه ای را بالای استحکامات طالبان آغاز کردند. بعد از چند هفته حملات هوایی که مؤفق به نابودی کامل نیروهای تروریزم و طالبان نشدند، در هماهنگی نیروهای مقاومت و حملات مشترک (نیروهای مقاومت با حمایت هوایی ائتلاف بین المللی) منجر به شکست تروریزم و طالبان در کشور گردیدند. شاهدان عینی در آن زمان، از بمباردمان و هدف گیری دقیق نیروهای ائتلاف حکایه دارند.

در نتیجهٔ عملیات مشترک نیروهای مقاومت و ائتلاف جهانی، سنگرهای طالبان و تروریزم درهم کوبیده شد و نیروهای شان کشته و متواری شدند. اما اینکه بعداً با حضور نیروهای ائتلاف بین المللی مجهز با تکنالوژی پیشرفتهٔ عصر، با تزیید نیروهای ائتلاف و پولیس و اردوی ملی کشور، علاوه از این که تروریزم و طالبان نابود نه شدند، بلکه نا امنی، جنگ، ترور، انتحار و انفجار بیشتر شد و در عرصه های گونه گون پی آمد بدش را مردم افغانستان لمس کردند. طولانی شدن جنگ، زندگی مردم را به خطر مواجه ساخت، از مردم ملکی، نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان و نیروهای ائتلاف بین المللی هزاران کشته و معلول بجا گذاشت.

اما پس از ۱۱ سال با وجود حضور نیروهای ائتلاف بین المللی، کشته شدن رهبر القاعده اسامه بن لادن و فرماندهان دست اول گروه طالبان، به مشکل اساسی در افغانستان که همانا ختم جنگ و رسیدن به صلح پایدار باشد، دست نیافته ایم. همچنان یک سال و اندی بعد در آستانهٔ خروج نیروهای ائتلاف بین المللی، در برابر آزمون های مهم و سرنوشت سازی از قبیل انتخابات ریاست جمهوری و تأمین امنیت سراسری توسط نیروهای امنیتی افغان قرار داریم، هرچند داوری و قضاوت تا آن زمان پیش از وقت است اما به یقین نگرانی هایی را به دنبال خواهد داشت. بر دولت و شخصیت های تأثیرگذار افغانستان است تا به مثل مشهور «علاج واقعه پیش از وقوع» بیندیشند.

بعد از ۱۱ سال

◆وحید مژده

یازده سال از حملهٔ نیروهای بین المللی تحت رهبری امریکا به افغانستان گذشت. یازده سال از روزی گذشت که جورج واکر بوش رئیس جمهور وقت امریکا دنیا را به دو قطب تروریست ها و دشمن تروریست ها تقسیم کرد و اعلام داشت هرکسی که با ما نیست، با تروریست هاست. به این ترتیب جنگ علیه تروریسم با یک ابهام بزرگ آغاز شد: چه تعریفی می توان از تروریسم ارائه داد؛ فرق بین شورشگری و تروریسم چیست و مرز میان این دو در کجاست؟

این ابهام موجب شد تا جبههٔ این جنگ وسعتی جهان شمول یابد. اکنون که یازده سال بعد از آن روز به ارزیابی روند این جنگ می پردازیم، می بینیم اهدافی که در ابتدا برای این جنگ در نظر گرفته شده بود تحقق نیافت. امریکا در این جنگ یازده ساله، یک تریلیون دالر هزینه کرد تا از گسترش تروریسم جلوگیری نماید اما نه تنها به این کار توفیق نیافت بلکه امروز تروریسم تاثیراتی فراتر از مرزهای افغانستان داشته است. در نتیجهٔ این جنگ، جهان به بحران اقتصادی دچار گردید و سرانجام امریکا تصمیم گرفت تا نیروهای خود را از افغانستان خارج سازد.

بعد از یازده سال امریکا می خواهد اشتباه خود را جبران نماید و مرز میان شورشگری و تروریسم را مشخص سازد. اکنون امریکا می خواهد مسؤولیت های امنیتی یعنی مبارزه با شورشگری را به دوش نیروهای افغان بسپارد و خود به مبارزه با تروریسم بپردازد.

وعده های دیگری که در ابتدای این تهاجم نظامی به مردم افغانستان داده شده بود نیز تحقق نیافت. زیربناهای اقتصادی این کشور بازسازی نشد و بعد از یازده سال، هنوز هم حکومت داری خوب در این کشور خواب و خیالی بیش نیست.

یازده سال بعد از این تهاجم، گروه بین المللی بحران که مرکز آن در بروکسل است اعلام می دارد که بعد از خروج نیروهای بین المللی از افغانستان در سال ۲۰۱۴، افغانستان به دامن یک بحران بزرگ سقوط خواهد کرد و حکومت موجود از هم خواهد پاشید. این نهاد تحقیقاتی از احتمال وقوع یک جنگ داخلی دیگر در افغانستان هوشدار می دهد.

وعدهٔ جامعهٔ جهانی برای تقویت نیروهای نظامی افغان نیز تحقق نیافته است. رئیس جمهور کرزی بعد از اینکه از دست یابی به وسایل نظامی مدرن برای دفاع از افغانستان از جانب امریکا و متحدینش مایوس شد، دستور داده است تا وسایل جنگی کهنه و فرسودهٔ بازمانده از دوران تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان که در انبار های وزارت دفاع وجود دارد، ترمیم شود. بخشی از این وسایل هنگام تطبیق برنامه های دی دی آر و دایاک جمع آوری شده است.

رئیس جمهور کرزی بار دیگر به انتقاد از امریکایی ها پرداخته می گوید که آنها علیه ما دست به جنگ روانی می زنند و می گویند که افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ دچار بحران خواهد شد این تبلیغات برای آنست تا ما به ادامهٔ حضور آنان در افغانستان راضی شویم.

کرزی امریکایی ها را به عدم صداقت در امر مبارزه با تروریسم متهم می سازد و می گوید که امریکایی ها روش منافقانه دارند اما نمی گوید که وقتی امریکا روش منافقانه را در قبال افغانستان دنبال می کند پس منطق امضای قرارداد استراتژیک با آنها چیست؟

اکنون مذاکرات روی پیمان امنیتی با امریکا آغاز شده و شاید این پیمان هم به امضا برسد. این درحالیست که یک تحلیلگر مسایل سیاسی به نام ریچارد وایتس در یک برنامهٔ تلویزیون الجزیره در جواب این سوال که چرا امریکا اردوی افغانستان را به سلاح های سنگین مجهز نمی سازد گفت: دولت افغانستان درگیر جنگ با طالبان است و این جنگ به سلاح سنگین ضرورت ندارد. دولت افغانستان سلاح سنگین را برای مقابله با پاکستان می خواهد در حالی که امریکا نمی خواهد با افغانستان با اسلحهٔ این کشور پاکستان را تهدید نماید.

یازده سال بعد از اعلام جنگ علیه تروریسم از جانب امریکا و حمله به افغانستان که به سرنگونی رژیم طالبان منجر شد، نه تروریسم از میان رفت و نه هم طالبان ضعیف شدند.

بعد از یازده سال جنگ، امریکا از نظر نظامی شکست نخورد اما درگیر یک جنگ بی حاصل گردید همانگونه که اتحاد شوروی هم بعد از یک دهه جنگ بی حاصل از افغانستان خارج شد و آن خروج ناشی از شکست در میدان نبرد نبود. هم اتحاد شوروی وهم ایالات متحدهٔ امریکا در رسیدن به اهدافی که به خاطرش به افغانستان حمله کردند، ناکام ماندند. شوروی در افغانستان شکست خورد اما مجاهدین هم پیروز نشدند. اکنون به نظر می رسد که بار دیگر تاریخ تکرار می شود؛ امریکا شکست می خورد اما نیروی مخالف آنان یعنی طالبان هم به پیروزی نمی رسند.

چرا ما باید شاهد جنگ هایی باشیم که به جای پیروزی در برابر شکست، شکست در برابر شکست به ارمغان می آورد؟ دلیل آن هویداست. ما ناتوان از ایجاد یک ساختار فراگیر ملی هستیم که بعد از خروج نیروهای خارجی، افغان ها را برای رسیدن به یک هدف مشترک ملی گردهم آورد. وقتی یک قیام علیه خارجی ها نتواند ما را در ایجاد صلح و یک زندگی مرفه و همراه با عزت و وقار در میان جامعهٔ جهانی کمک کند، حاصل جنگی که در ظاهر در آن پیروز هم شده ایم، برای ما هم شکست خواهد بود.

پس اگر می خواهیم بار دیگر به گرداب یک مصیبت خانمانسوز دیگر نیفتیم، باید از گذشته درس بیاموزیم و با استفاده از تجربهٔ گذشته، هرچه زود تر به سوی تفاهم ملی قدم برداریم و بدانیم که گذشت زمان به گونه ای که امروز شاهد آن هستیم، به نفع ما و آیندهٔ این کشور نیست.

تجربهٔ یازده سال جنگ امریکا در افغانستان نشان داد که هیچ قدرت خارجی قادر به تامین صلح در این کشور نیست. صلح زمانی به افغانستان باز خواهد گشت که خود افغان ها ارادهٔ به میان آمدن آن را داشته باشند.

برگزاری مجمع عمومی (کنگره) ضرورت سازمان سیاسی

◆ ث – ثامر

از آنجایی که در حیات سیاسی احزاب، برگزاری کنگره یا مجمع عمومی از اهمیت زیاد برخوردار است. جمعیت اسلامی افغانستان که یک حزب ملی، فراگیر، از نفوذ، نفوس و حمایت مردمی بیشتر در سراسر کشور برخوردار است. به خصوص در دو دورهٔ افتخار آفرین کشور، مردم افغانستان حماسه آفرید و منجر به شکست دو استعمار (سرخ و سیاه) گردید، رهبری این حزب در تلاش آن بود تا مجمع عمومی دایر و سروسامان بهتر به این سازمان داده شود. اما درگیری های این دو دوره و وضعیت امنیتی دورهٔ اخیر مجال برگزاری این مأمول را نداد. سرانجام در سال ۱۳۸۹ هجری خورشیدی در زمان حیات استاد شهید پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر خردمند جمعیت اسلامی، ضرورت برگزاری مجمع عمومی را مطرح و کارهایی در زمنیه صورت گرفت که بدین منظور در همایشی (۱۱ ثور ۱۳۸۹) در هوتل انترکانتی نینتال ۱۰۱ نفر به حیث اعضای تدارکات مجمع عمومی از ولایات و اقشار مختلف کشور از سوی استاد شهید تعیین گردید. بعداً به کمیسیون های کاری جداگانه توظیف شدند کارها ادامه داشت که با شهادت رسیدن رهبر خردمند و فقید جمعیت اسلامی (۲۹ سنبلهٔ ۱۳۹۰)، این پروسه به تعویق افتاد.در امتداد این گونه تلاش ها به تاریخ ۱۴حوت ۱۳۹۰ هجری خورشیدی اعضای کمیسیون تدارک تحت ریاست آقای واقف حکیمی رئیس کمیسیون برگزاری مجمع عمومی، تشکیل جلسه داد که در آن محفل محترم صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی نیز حضور داشتند و سرپرست جمعیت اسلامی تدویر کنگره را از

ص۵

رهبر من!

آرین پور افخمی

رهبر عزیـزم! وقتـی کـه تُـرا داشـتند نفهمیدند که بودنت چـه فضـیلتی بزرگـی بود و وقتی که تُرا ندارند مـی فهمنـد کـه تکرار نمی شوی

به خود گفتم چگونـه بـزرگ شـوم و از جـنس واژه ها آیینه‌ی بسازم تـا بزرگـی انسـانی کـه نـیم قرن بـر حـوادث سیاسـی کشـور حضـور پـر رنـگ داشـته را بـه تصـویر بکشـم. بـرای رهبـرم، بـرای حـاکمِ حکـیمم، بـرای بزرگتـرین انسـانی کـه در آسمان عـدالت، دیانـت، شـریعت، ایمـان، احسـاس ، تقوا، پـایمردی، در میـان هـزاران بـلا و بـدبختی توانست بدرخشد و بزرگ شـود، چـه بگـویم و چـه بنویسم. با چه چیز مـی‌تـوانم نـامش را شـاد بـاش بگویم؟

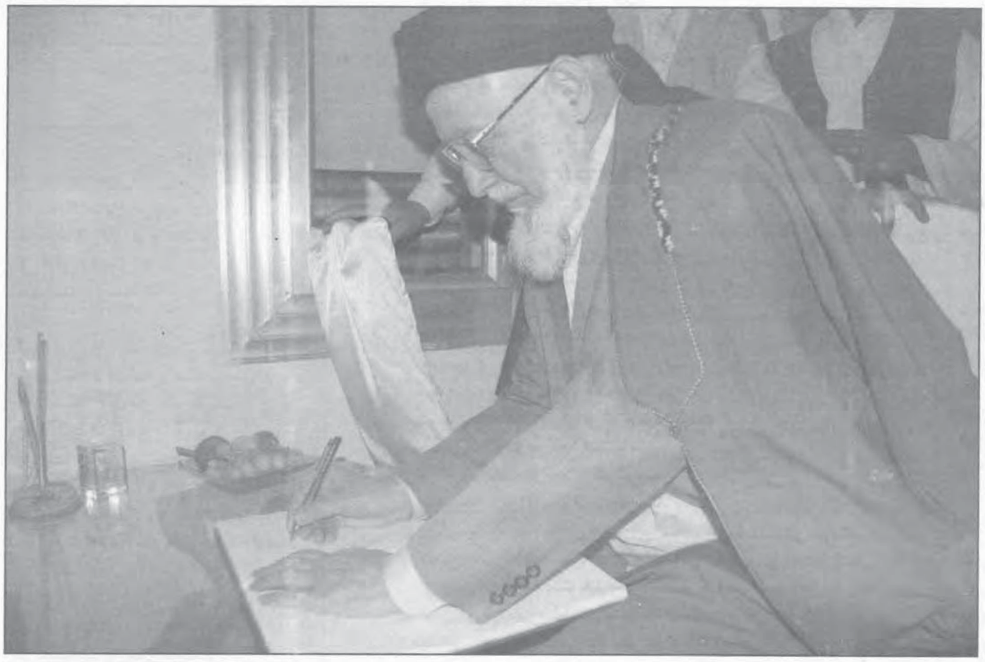
تنها مـی‌خـواهم بـا احسـاس کـوچکی چـون قطره‌ی در بحر بـه سـهم خـودم توصـیفی بزرگـی اش را کـنم، وقتـی قلـم بـه دسـت مـی‌گیـرم در مـوردش چیـزی بنویسـم احسـاس مـی‌کـنم کـه قلمـم بـرگ هـای کاغـذ را مـی‌سـوزاند؛ زیـرا کوچکتر از آنم که بنویسـم مـردی بـه ایـن بزرگـی بـا اندیشـه و قلـم و تـدبیر و درسـت کـاری اش، بـاری بـه خـود جـرأت داد، تـا متفـاوت تـر از دیگران بیندیشد و بـه راهـی خـودش بـرود و ایـن راه را بـه خـون خـود ترسـیم کنـد و اندیشـه‌ی نسل‌های بعد از خود را تغذیه کند.

اینـک رهبـرم مـی نشـینم نامـه ای را از جـنس احسـاس و درد و فـداکاری مـی نویسـم، گرچه کـه کـوچکتر از آنـم کـه در بـاره ات چیـزی بنویسم، اما خُرسند مـی‌شـوم کـه کاغـذ و قلـم بـه حـالم غبطـه مـی‌خورنـد کـه در کـوچکترین لحظـات بزرگتـرین واژه هـای تـاریخم را در کنـار هـم مـی بـافم و مـی نویسـم، اسـتاد ربـانی، بزرگترین احساسی بـود کـه سرنوشـت یـک ملـت را برای یکبار هم که شد دگرگونه کرد.

رهبر عزیزم! از زمـانی کـه تـو رفتـی و ندیـدمت در کشـور بلادیـدهٔ مـان بسیاری چیزها دگرگون شـد، امـا چیـزی که تغییر نکرد آرمـان و هـدف بلنـد تـو و احساس سرشـار از امیـد بـرای مـردم و میهنت و بـرای ملتـت همچنـان پـا برجـا است.

رهبر عزیـزم! بـاور بفرماییـد از وقتـی کـه رفتـی و در خانـه‌ی ابـدی ات آرام گرفتـی همـه جـا را مـی گـردم از تـاریخ گذشـته تـا امـروز از لشکرکشـی‌هـا و جنگ‌هـای خـونین از روزگـارانی پـیش از نام افغانستان و تـا امـروز سـتارهٔ بـودی که یکبـار در آسـمان مـا تابیـدی. گـاهی ترجیح می‌دهـم کـه بعـد از شـما همـین امروز زندگیِ مـا سـزاوار ایـن اسـت کـه اسرافیل صـور پایـان ایـن جهـان را پـف کند. زیرا پـس از شـما اسـت کـه سـرود ننگین تسلیمی را دیگران بـه رسـم گـام برداشـتن بـه نقـش گـام هـای تـو می‌خوانند.

رهبـرم! بـرای نبودنـت خانـهٔ کوچـک دلـم بـا همـه کـوچکی اش مـی‌خواهـد همیشـه مهمـان باشـی بغـض حسـرت دیـدارت گلـویم را مـی ترکانـد صـدای خسـته در گلـویم مـی‌شـکند بـرای احسـاس پاکـت، بـرای امیـد بـه افغانسـتانِ مسـتقل و آزاد و آبـاد و سـربلندی که می‌خواستی. وقتـی بـه یـادم مـی‌آیـد پـر از خضـوع مـی‌شـوم و بـر سـجاده و خطـی کـه ترسیم کردی برایت دعا می کنم.



رهبـرم! در زنـده بودنـت گـاه- گـاهی دسـت نوازشـت را بـر سـرم مـی‌کشـیدی و جهـانی از امیـد را بـا گلـواژه‌هـای لبخنـد و احساس پدرانـه ات بـه مـا تحویـل مـی دادی کـه افغانسـتانی را کـه از دشـمنان خونخـوار آزادش کـردی بـه مـا مـی‌گـذاری امـا پـدرم! رهبرم! شاید شـاهد نباشـی کـه مـن و هـزاران جـوان ایـن سـرزمین اکنـون در روشـنایی شـمعی بـر افروختـه ات زیسـت مـی‌کنـیم. در سایه درختی میمـونی نشسـته ایـم کـه تـو بـا خـون پـاک خـود و هـزاران شـهید ایثـارگر از جمله آمرصاحب عزیز آبیاری اش کردی.

رهبـرم! چیـزی را بـرایم ترسـیم کـردی و جرقه های را زنـده کـردی کـه از شـاخه هـای نـورانی اش سراسـر کشـور ومـردم پـر از احساس می شوند.

وقتـی بـه کوچـه هـا، در و دیوارهـای کابل نگاه می‌کـنم، وقتـی تـاریخ پنجـاه سـال اخیر را می‌خـوانم، وقتـی کـوه هـا و دره هـای بلند و سر بـه فلـک کشـور را مـی بیـنم همـه نفس های گـرم تُـرا و همـه خـاطرات عـزت و سـربلندی، مـدارا و مـدیریتت را در ذهـنم مرور می‌کننـد. رهبـر عزیـزم! حـالا همـه غـم هـا و دردهـای نبودنـت همسـایهٔ در بـه دیـوار مـردم مـا هسـتند و جـای تـرا فقـط یـک احساس پر کرده است.

رهبـر عزیـزم! وقتـی کـه تُـرا داشـتند نفهمیدند که بودنـت چـه فضـیلتی بزرگـی بـود و وقتی که تُـرا ندارنـد مـی فهمنـد کـه تکـرار نمی شوی. ای کـاش! بـار دیگـر مـی‌شـد کـه مـی آمـدی و بـه سرنوشـت مهـین و کشـورت نظاره می‌کردی. کاش! مـی شـد بـار دیگـر پـا می گذاشـتی و مـی دیـدی کـه از بدخشـان تـا قندهار و تا نمیـروز و هـرات و بلـخ، کـوه هـا و دره ها بـه رویـت لبخنـد مـی زننـد و خـاطرات جاویدانـه ات را همیشـه مـرور مـی‌کننـد. امـا امروز این قـدر اسـت کـه یـاد تـو خامـه هـای لـرزانم را سـبز کـرده تـا چنـد واژهٔ را عاجزانـه بسرایم.

رهبر عزیز! از وقتـی کـه تـرک مـا کـردی در خیـال و انـدوهی سرنوشـت کشـورم و مـردمم هرشـب تُـرا در خواب می‌بینم، هرشـب مـی‌بیـنم کـه تو حاکمِ حکیمـی بـودی کـه قـرن هـا پـیش از امـروز افلاطـون بـرای رسـیدن بـه جامعـه ای بـا سـعادت گفته بود کـه جامعـه ای بـه سـعادت و نیکبختی می رسـد کـه حـاکمِ آن مـردِ حکـیم و خردمنـدی چـون تـو باشـد. وای بـر مـا کـه ایـن سـرمایه را از دست داده ایم.

آه رهبـرم! چـه فراغتـی داشـتم از دیـدارت و چـه غنیمتـی بزرگـی مـی‌دانسـتم بودنـت را بـرای مـردم افغانسـتان و چـه سـعادتی بـود دیـدارت کـه صـلح و آرامـشِ کشـور مشـغلهٔ ذهنـی همیشـگی ات شـده بـود. امـا رهبـر عزیـز! دشـمنان زبون و به کمـین نشسـته نگذاشـتند بـر آرمانـت کـه آرمان همهٔ ما بود، برسی.

رهبر شهید بعـد از تـو و جـاده همـواری سـرخی را که بـه میـراث گذاشـتی فضـای سیاسـت ضـیق و دل گیر شـده اسـت، هـوای سیاسـت را تلخـی هـا و گزافه گویی‌ها پُـر کـرده اسـت. جـای فضـیلت هـا را رذیلـت هـا گرفتـه اسـت. چـه عجـب سـخت اسـت قربـانی دادن و دسـت زیـر سـر گذاشـتن و تنهـا تماشـاگر صـحنه هـای غـم انگیـز بـودن. چـه تلـخ اسـت بـه امیـدی فـردای دیگـر نشسـتن و بـه امیـد دمیدن بامداد پیـروزی و چـه سـخت اسـت کـه بهـار نیامـده پـاییز برسـد و چـه سـخت اسـت راه رفـتن بـرای زنـده مانـدن در خـراب آبـادی بـه نـام افغانستان. چه قدر سـخت اسـت کـه مـا هـر لحظـه برای مردن زندگی می‌کنیم.

رهبر عزیز! بعـد از رفتنـت خنـده هـایم بوی احتیـاط مـی‌دهنـد و ذهـنم کـوچکتر از آن اسـت کـه در بـازار آشـفتهٔ سیاسـت راهی برای فردای روشن تصور کند.

من در هجـوم نبودنـت مـی‌خـواهم بـرگ هـای تـاریخ پنجـاه سـاله را برگـردانم، زیـرا رهبـری ای خردمندانـه ات در دشـوارترین شـرایط برجسـته ترین طلـوع حیـات مـردم مـا بـود. تـاریخ نـیم قـرن اخیر ما و زندگی و هویـت مـا بـر شـانه هـای صـبور تو استوار و ماندگارنـد. رهبـر عزیـز بـه راسـتی تـو و آمرصـاحب درک کـرده بودیـد کـه زنـدگی مهـم نیست، بلکه چگونه زندگی کـردن مهـم اسـت. شـما بزرگترین انسان های نـیم قـرن اخیـر بودیـد کـه بـه راستی تـا دم مـرگ حسـرت لحظـه هـای گذشـته را نخوردید.

رهبر فقید

عبدالقیوم قویم

آنگاه که یاد تو رهبر فقید
در تارو پود هستی من
نقش میشود
یکبار میروم به فراسوی سالها
آنجا صدای قوت ایمان ملتی
پژواک پر طنین رهایی خویش را
تا دور های دور
با خود همی برد

ای مرد بی بدیل
در امتداد سالیان درازی
هر واژه کز زبان تو برخاست
در گوش رهروان ره دین
بنشست وره نمود کسان را

استاد!
در درسگاه و مدرسه و مسجد وطن
اندر بسیط گسترش علم معرفت
واندر فراز قلل پیروزی جهاد
پاپاست نام تو.

گر خصم حیله کرد و به خونت فرو نشاند
اما روح تو در بهشت برین جاودانه هست

استاد !
تو رهبر جهادی و رمز مقاومت
تو قامت بلند و رسای سیاستی
تو عالم و فقیه بزرگی

ای ناجی گرامی هم میهنان ما
ای رهنمای مردم مظلوم کشورت
ای خواستار صلح وصفا و برادری
تو بر چکاد حرمت و عزت ستاده ای
یاد تو زنده است
راه تو زنده است.

الحاج محمد اکرم خاموش کوهستانی

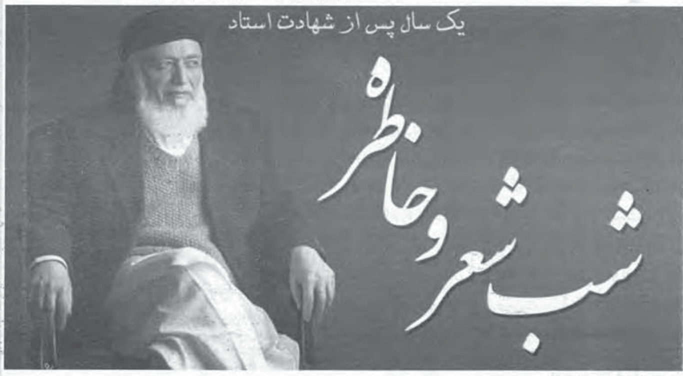
ناجوی کهسار

ای آسمان بیا که بهم گریه سر کنیم
از ناله های خویش جهان را خبر کنیم
تو در کنار ابر بکن ناله و نوا
ما از فراق یار فغان تا سحر کنیم
فریاد بر کشیم به هنگام نیمه شب
یک لحظه ای بیاد خدا دیده تر کنیم
در ماتم شکستن ناجوی کوهسار
برخیز شور و ناله به کوه و کمر کنیم
گاهی به یاد مردم درد آشنای خویش
گاهی به مرگ قاید دانا نظر کنیم
تا درتمام کوه و دمن لاله سر زند
صحرا ز اشک خویش چو لعل و گهر کنیم
سیر زمین را بگذاریم به خاکیان
خود سیر عرش و عالم شمس و قمر کنیم
اینجا کسی نمی شنود ناله های مان
عزم سفر به سوی دیار دیگر کنیم
انسان این دیار خورد خون یگدیگر
برخیز تا به شهر ملایک سفر کنیم
حول و فضای ما همه تاریک تا بکی
باز آ به سوی قاصد خاور گذر کنیم
باید مثال شمع بسوزیم در انجمن
تا روشن این محیط زعلم و هنر کنیم
اسلام هست دین خدا حافظش خداست
ما بیشتر تلاش درین رهگذر کنیم
تا دست شوم اهریمن نابکار دهر
کوته شود کلاه درایت بسر کنیم

در کام آتش

سیدحبیب از سمنگان

ای خدا این ملک باز در کام آتش در گرفت
دود آن مستی کنان این مرز و بُوم در بر گرفت
زهر تلخ اش تارو پود استخوانم را فسرد
بر رگ جانم دوید و هوش من از سر گرفت
همتم رفت زیر بار منت دون همتان
شهرت مرد آفرینم را به چند دالر گرفت
هر طرف ماتم نشست اندر کمین زندگی
دست شوم دشمنان مرغ دلم را پر گرفت
ای خدا سرمایهٔ دنیا و دین و آن جهان
را به یک بوس و کنار از نزد ما دلبر گرفت
ما که دست و پای خود بستیم و در غفلت شدیم
کار تا آنجا رسید کز ما و تو رهبر گرفت
رفت مسعود یلی آن سردار آزادی ما
چون نجنبیدیم زجا یکی پی دیگر گرفت
داوود و نوری و سیدخیلی و صدهای دگر
همچو قلب مادری بر داغ فرزند در گرفت
سخت افسردم برای بیگ و احمد خان تو
اهریمن ای میهن آن مردان دلاور گرفت
مرد پیرت را کنار جاده و مسجد و شهر
کودکان دست فروش را بر کدام کیفر گرفت
نامداران دلیرت هر کجا گشتند شهید
از کنار آسمانت هر شبی اختر گرفت
صحن باغ آزین داشت از پرتو رخسار شان
آن کی بود کز بزم ما این ساز و این ساغر گرفت
گفت پیغمبر که با همسایه دایم سایه باش
ای وطن همسایه دست خیر بگذاشت شر گرفت
همتی ای مردمان صلحشور با وفا
جنبشی باید که ملک در قوغ آتش در گرفت
ای «حبیب» چندان چه گویی وصف آن برهان دین
دست ربانی ز نزد ما چنین گوهر گرفت



محمد شریح شیون

غرور سبز سپیدار

غرور سبز سپیدار انقلاب شکست
و روی شانهٔ پامیر آفتاب شکست
دگر به هیچ پرنده نمانده جایی نشست
که زیر پای امیدش سر تناب شکست
و دور پای کشید از همه ادامه خویش
دو دست موج به هم خورد و قلب آب شکست
عصا کجاست؟ که این گونه سیل توفانی است
بگو چرا؟ به گلوی شما جواب شکست
فضا به وسعت میل تفنگ شده است
که خواست پر بزند شهپر عقاب شکست
چه انفجار که دستان آسمان لرزید
و روی شانهٔ پامیر آفتاب شکست

نور محمد نورنیا

شانهٔ تکلیف

شکست شاخ درختان سبز این سوها
شبی که باد بهم زد شکوه شب بو ها
ز بار و برگ، گران است شانهٔ تکلیف
خوشا به حال سپیدار ها و ناجو ها
ز شام دهکده ام ماه را ربودند و
به ابر های خشن بسته اند تابو ها
ستاره رفت، سیاهی رسید، ماه شکست
چگونه خواب و خموشید، های ترسوها!
کجاست کفش و کلاهم. کجاست پا و سرم
لگام رخش را تا کجا برند او ها؟

سوژهٔ بلند

رحمت الله بیژن پور

ای دوست! ای بداهه در آهنگ روزگار
ای سوژهٔ بلند در این شعر تاجدار
ای نام پر شکوه در انگیزهٔ سخن
تکواژهٔ نوین در اندیشهٔ کهن
مرهون به نبض پر تپش گوهر آفرین
انگشتر رهایی این مرز را نگین
زیبایی درفش فروزان، فراز گاه
تندیس پر شکوه بهر افسر و سپاه
ای ساحل بزرگ که همخانهٔ به آب
پرورده ی به گرمی سوزان آفتاب
اسطورهٔ هزاره ی آیین مرسلی
نام بلند پهنهٔ تاریخ چون، یلی
رود زلال بودی و دریا شدی کنون
هر قطره موج گشتی وپهنا شدی کنون
ای مرد! ای نشانهٔ پویای روزگار
ای بانی تفکر و ای گُرد پاسدار
در خشم باد شعله به خرمن زدی درست
آتش نمرده بود که دامن زدی درست
دیوی نشسته بود بروی سکوی شب
دیوانه بود غرق جنون پای مرگ تب
اول نشانه رفتی پس گیو را زدی
رستم شدی و قافله ی دیو را زدی
آری سپاه طایفهٔ شب سحر نداشت
شب مانده بود، قدرت چون واگر نداشت
(ای شهریار رفتی و پائیز غم شدیم)
(در حجم اختلاف چنین بیش و کم شدیم)
گر لشکر پلید شب امید را شکست
طوفان ابر خنده ی خورشید را شکست
در آسمان ستاره بسی هست و ماه است
آن آتشک نشانه ی مرگ گیاه است
باران بلوغ صاعقه بارید روی خاک
در بیشه ببر خسته فرومانده در مغاک
زانوزها حکایت تلخی شنیده ایم
بر گورها نشانه ی سنگی ندیده ایم
ابری سوار باد شد و با شتاب رفت
آمد که تا بهار شود آفتاب رفت
این جا هنوز قافله با باور شماست
وین شعله های گرم همان آذر شماست
خورشید وار شعله کشیدی که شب رسید
ابر سیاه سلسله خورشید را درید.
اینک دوباره زمزمهٔ جوش دیگر است
دوران نیازمند کلاه پوش دیگر است
فصل شگفتن است دگر باره بر شوید
پیشینه وار دستهٔ شب را سحر شوید
موج شکفتن است، زمان تاب میخورد
شمشرها به جوهر خون آب میخورد
آری بُه بند پنجهٔ خود را به دست من
دیگر به تیر خنده مزن بر شکست من
آری کجاست دستی که گیرد بنام تان
زانرو شکست قامت نخل قیام تان
(پرهیز اگر ز واژهٔ همبستگی نبود)
(امروز این جدائی و آوارگی نبود)
اینک بدار دست، فراسوی آسمان
دیگر مجال نیست به تاخیر و امتحان
بر پا شویم و دشمن ننگین بدر کنیم
بار دگر سرور سرافرازی سرکنیم

از امضای پیمان راهبردی کدام یک سود می برد؟...

ادامه از صفحهٔ اول

در تضاد با منافع ملی مردم افغانستان قرار دارد. به گفتهٔ وی، رئیس جمهور کرزی باید در سیاست خارجی خویش، منافع ملی را در نظرداشته و با توجه به این اصل اقدام نماید.

در همین حال سید علی کاظمی نمایندهٔ مردم کابل می گوید که، امضای پیمان همکاری های راهبردی با حکومت پاکستان باید مشوره های دقیق و جدی را همراه داشته باشد. به باور آقای کاظمی، نباید حکومت افغانستان در قبال این موضوع از یک موضع ضعیف عمل نماید و پیش از هر اقدامی در این رابطه باید گفتمان های زیادی را با جوانب ذیدخل در ابعاد ملی، منطقه یی و جهانی انجام دهد.

در همین حال احمد سعیدی که سال های زیادی در پاکستان به حیث دیپلومات کار کرده است، می گوید پیش از امضای این پیمان، باید همسایهٔ شرقی از تعرض و توطیه در قبال افغانستان دست بردارد. در غیر آن امضای این گونه پیمان ها و قرارداد ها نتیجهٔ نخواهد داد.

برخی دیگری از اعضای مجلس نمایندگان و آگاهان امور بستن پیمان راهبردی را با همسایهٔ شرقی همراه با اماها و اگرها می دانند و نیت پاکستان را در این مسئله مبتنی بر تیوری هایی توطیه و عمق استراتیژیک می دانند. آنان می گویند قرارداد تایی که دو سال پیش میان افغانستان، پاکستان و هندوستان به امضا رسید و قرار بود موضوع ترانزیت و انتقال کالاها را میان هر سه کشور تضمین و تسریع می بخشید. اما کشور پاکستان با ایجاد موانع این روند را عملاً به چالش کشیده و قصد ندارد تمام طرف ها به طور عادلانه از این فرصت استفادهٔ بهینه نمایند.

درعین حال حزب حق و عدالت که از ته مانده های جریان هایی متفاوت گذشته با گرایش هایی لیبرال، راست و چپ در یک پلیت فورم سیاسی جمع شده اند، خواهان امضای این سند با پاکستان شده است. این حزب می گوید، داشتن روابط با همسایه ها باید در سرخط سیاست خارجی کشور نهفته باشد.

امضای پیمان همکاری های استراتیژیک بین افغانستان و پاکستان در حالی مطرح می شود که برخی از ولسوالی های سرحدی ولایت های شرقی کشور از یک سال بدینسو مورد حملات راکتی نظامیان پاکستان قرار گرفته است.

خوب در صورتی که افغانستان این پیمان را با کشور همسایه پاکستان امضا کند پی آمدهای آن چه خواهد بود؟ آیا با امضای این پیمان پاکستان دست از مداخله در امور افغانستان برمی دارد؟ آیا روابط ما با کشورهای منطقه از جمله هند صدمه نمی بیند و یا به حد اقل نمی رسد؟ آیا افغانستان با بستن این پیمان روابط بازرگانی خود را از طریق خاک پاکستان و در نهایت بحر با کشورهای جنوب آسیا و دنیا گسترش خواهد داد؟ آیا اعتماد از دست رفتهٔ میان هر دو کشور زنده و اعاده خواهد شد و مهم تر از همه این کشور از سیاست های دو پهلو دست بردار خواهد شد؟ این ها و ده ها پرسش دیگری هستند که بستن این پیمان را از همین حالا ته کشیده است.

افغانستان با امضای این پیمان چه می خواهد؟

استراتیژی روابط خارجی افغانستان با همسایه ها مبتنی به حسن همجواری، منافع ملی، استقلال و تمامیت ارضی تدوین شده است. پس در صورتی که، این پیمان به امضا برسد، در حقیقیت افغانستان می خواهد با بستن این پیمان با همسایهٔ جنجالی اش، رویکرد مداخله گرانه را به حد اقل برساند و در نهایت با گسترش روابط در ابعاد مختلف سود بیشتر ببرد.

اما پاکستان با امضای این پیمان چه می خواهد؟

با گسترش حمله های موشکی از خاک پاکستان در ولایت های کنر و ننگرهار، افکار عمومی در افغانستان بیش از پیش با نگاه دشمنی علیه پاکستان افزایش یافت.

آمادگی گروهی از مردم در بعضی از ولایت ها برای جنگ بر علیه نیروهای مرزی پاکستان، مطرح کردن تجاوز پاکستان از تریبون مجمع عمومی در سازمان ملل از سوی افغانستان، روابط هر دو کشور را به مشکل مواجه ساخت. اما دولت مردان پاکستان که سیاست های تدوین شده دارند، و نبض چرخش افکار عمومی را درک می کنند، در مشوره و هم یاری استاد دیرینه اش انگلیس خواست این حساسیت ها را کم رنگ سازد و موضوع عقد پیمان راهبردی را میان هردو کشور مطرح نماید.

در همین حال دیدگاه های وجود داردکه **پاکستان در تداوم سیاست پیشگیرانهٔ خود بازی دو طرفه را در چشم انداز آینده می نگرد.**

در حالی که با ادامهٔ مداخله در امور داخلی افغانستان، از یک سو این کشور به فکر به قدرت رساندن گروه های معلوم الحالی که از سال ها بدین سو سرمایه گذاری کرده است می باشد، در عین حال به فکر آن است، در صورتی که پس از سال ۲۰۱۴ این رویکرد به بن بست کشیده شود، در آن صورت باز ادعا نمایند که با دولت مرکزی افغانستان روابط راهبردی دارد و در فکر حمایت گروه های شورشی نیست.!

روی هم رفته روابط و تعامل هر دو کشور ریشه در نیات و ادعاهایی دارد که طی حد اقل نیم قرن اخیر با تردیدهای جدی مواجه بوده است. این که امضای این سند می تواند تابو ها را بشکند و در یک فضای اعتماد هر دو ملت هم کیش و هم دین زندگی مسالمت آمیز داشته باشند؟ زمان ثابت خواهد کرد.

افغانستان با برخی کشورهای دیگر از جمله هند رقیب سرسخت پاکستان پیمان راهبردی امضا نموده است و قرار است با امریکا در پهلوی پیمان راهبردی، پیمان امنیتی تحت شرایط خاص نیز به امضا برساند. هیأت مذاکره کنندهٔ امریکا روز پنجشنبه ۱۹ میزان به کابل رسید و دور نخست مذاکرات در این مورد آغاز شده است.

جشن مهرگان

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

جشن مهرگان در میان آریایی ها در گذشته ها مقام ارجمند داشته است. جشن مهرگان متعلق به فرشتهٔ مهر است و این با روز شانزدهم مهر (میزان) برگزار می شد که شش روز را در بر می گرفت. این جشن در پنج روز اول به نام عامه و روز بیست و یکم مهر به نام جشن خاصه مرسوم بوده است. در میان خراسانیان جشن مهرگان مانند نوروز جایگاه خاص داشت و از آن مانند نوروز که در پایان سرما جشن گرفته می شد. مهرگان در نیمهٔ سال و پایان فصل گرما بر گزار می گردید. این جشن مانند جشن نوروز، شباهت پیدا می کند؛ طوری که نوروز را به پادشاهی جمشید نسبت می دادند، و مهرگان را به فتح و پیروزی فریدون قهرمان افسانه ی ایران زمین بر ضحاک نسبت می دادند. و گفته می شود که قدیمی ترین آیین آریاییان یزدمهر است. در زبان سنسکریت مهر به مفهوم دوستی است و در وداع کتاب مذهبی برهمنان مانند اویستا ایزد روشنای فروغ می بخشد و زردشتیان به پرستشگاه خویش درد مهر گویند. هر دو جشن نوروز و مهرگان از یادگار آریاییان و خراسان قدیم است. امروز ملی گرایان در افغانستان، ایران و تاجیکستان همه ساله به تجلیل این جشن می پردازند. این جشن هم اکنون در میان این کشورهای هم زبان در حال زنده شدن می باشد و دهم مهر ماه (میزان) جشن مهرگان برگزار می گردد نه شانزدهم مهر. در مورد جشن مهرگان افسانه های زیاد گفته شده است؛ طوری که پادشاهان ایرانی تاج بر سر می نهادند که صورت آفتاب در میان چرخ گردان به آن منقوش بود. هنگام طلوع آفتاب، یکی از سپاهیان در حیاط قصر سلطنتی ایستاده فریاد می زد {ای فرشتگان به عالم فرود آیید و بد کاران را بزنید و از دنیا برانید}.

در دورهٔ هخامنشیان به این جشن توجه زیاد صورت می گرفت. در تقویم زردشتی ها هر سال سی روز بود و سال دوازده ماه داشت و هر روز نام های مختلف داشت. روز شانزدهم هر ماه به نام مهر یاد می شد، ازین رو روز شانزدهم هر ماه جشن مهر برپا می گردید این جشن پس از سقوط ساسانیان و دورهٔ اسلامی نیز بر گزار می گردید. در دیوان شاعران وصف مهرگان، داغگاه، خزان، جشن خزان فراوان به چشم می خورد؛ طوری که منوچهری در مدح سلطان محمود غزنوی جشن مهرگان را چنین می سراید:

شاد باشید که جشن مهرگان آمد   بانگ و آوای کاروان آمد

و از این شاعر در وصف جشن مهرگان و مدح ابوحرب بختیاری می شنویم:

برخیزهان، ای جاریه، می در فگند درباطیه   آراسته کن مجلس،از بلخ تا ارمینیه
آمد خجسته مخرگان، جشن بزرگ خسروان   نارنج نارو اوقحوان، آواز از هر ناحیه
گلنارها، بی رنگها، شاهسپرم، بی چنگها   گلزارها چون گنگها، بوستانها چون اودیه
لاله نه روید در چمن، بادام نگشاید دهن   نه شبنم آید به سمن، نه بر شگوفه اندیه

فردوسی، اسدی طوسی دقیقی بلخی در اشعار خویش از جشن های دیگری نام می برد که از جمله قیام کاوه آهنگر و پیروزی به ضحاک می باشد که در نتیجه این پیروزی فریدون برتخت شاهی می نشیند.

فردوسی در داستان به بند در آوردن ضحاک آورده است:

فریدون چون جوان شد بر جهان کامگار   ندانیست جز خویشتن شهریار
بروز خجسته سر مهر ماه   به سر بر نهاد آن کیانی کلاه

اسدی طوسی:

فریدون فرخ به گزر نبرد   ز ضحاک تازی بر آورد گرد

البیرونی در التفهیم می نویسد: مهرگان شانزدهم مهر است، از ماه و نامش مهر، اندرین روز، افریدون ظفر یافت به بیورسب جادو، آنک معروف به ضحاک و به کوه دماوند باز داشت و روز ها که سپس مهرگان است همه جشن اند. در آثارالباقیه چنین آمده است: خداوند برای زینت بندگان خود یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان بیرون آورد و فضل این دو روز بر روزهای دیگر، مانند فضل یاقوت و زبرجد است بر جواهر های دیگر و بیورسب هزار سال عمر کرد. ابوالفضل بیهقی از برگزاری جشن مهرگان در زمان سلطان محمود غزنوی در نیمهٔ قرن پنجم هجری خبر می دهد. مهرگان و فروردین ماه که به ترتیب آغاز اعتدال پایزی و اعتدال بهاری و در آن روز شب برابر اند، زمان هردو را به عنوان آغاز سال جشن می گر فتند. از دوران کهن، همراه با جشن ها و آیین ها واژگان فارسی نوروز و مهر جان به صورت معرب نیروز و مهرجان، وارد زبان و قلمرو فرهنگ کشورهای مسلمان عرب زبان گردید. صدرالدین عینی در یادداشت های خویش از جشن در تاجیکستان و سمرقند یاد می کند که هر سال در ماه میزان (مهر ماه) برگزار می شد که در این روز شکر نعمت ها و فراوانی آن جشن گرفته می شد. شاعران زیادی در مورد جشن مهرگان سروده های دارند که به چند نمونه آن می پردازیم:

امیری گنجی:

مهر آمد مهر ما را پاس دارد   شکر ایزد در سرای پارس دار
نام نیکو اش زیر لب تکرار کن   سننش را بر همه اسرار کن
پند های پارسی را گوش دار   مهر ایران را تو در اغوش دار

هوشنگ ابتهاج:

بگشایم کفتران را بال   بفروزیم شعله بر سرکوه
بسرایم شادمانه سرود   وین چنین با هزارگونه شکوه
مهرگان را به پیش باز رویم   رقص خوش پیچ و تاب پرچم ها
زیر پرواز کفتران سفید   شادی آرمیده کام سپهر

سالار محمدی:

مهرگان ایکه تو هم خون منی   و همیشه در دل و جون منی
و به همسایگی عشق شما می بالم   و صفای دل خود می جویم

فرخی سیستان:

مهرگان آمد سیمرغ بجنبید زجای   تاکجا پر زند این سال و کجا دارد رای

ویا:

بار بست مه روزه و برکند خیم   مهرگان طبل زد و عید برون برد علم
زان مهٔ لعل قدح پر کن نزدیک من آر   به تن و جان نتوان کرد ازین پیش ستم.

برگزاری مجمع عمومی (کنگره) ضرورت...

اولویت های کاری اش عنوان نمود. اما کار کمیسیون های مظف به خاطر برگزاری مجمع عمومی به پیشرفت هایی هم نایل آمد و قرار بود در اخیر بهار سال جاری شاهد برگزاری کنگره باشیم که بازهم چالش های امنیتی از یکسو و آمادگی ها برای برگزاری نخستین سالگرد شهادت شهید صلح، رهبر معظم جهاد و مقاومت و هفتهٔ صلح و وحدت ملی از سوی دیگر، باعث شد، تا این بار هم به تعویق بیفتد.

در همایش شب شعر و خاطره (شنبه ۱۰ میزان ۱۳۹۱ هجری خورشیدی) که به مناسبت نخستین سالگرد شهادت شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی در سالون هتل ستارهٔ شهر در کابل دایر گردیده بود، محترم صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی در قسمت اخیر سخنرانی اش خطاب به اعضای جمعیت اسلامی، آنها را متوجهٔ امور مربوط این سازمان ساخت تا در انسجام صفوف، مسؤولیت پذیری و حفظ ارزش ها کوشا باشند و روی برگزاری مجمع عمومی هم تأکید داشته گفت:

«کار مهم همهٔ ما و شما، برگزاری مجمع عمومی است که انشاءالله به لطف الهی و با خلوص نیت تک تک اعضای افتخار آفرین و مسؤولیت شناس جمعیت اسلامی، به زودی به سمت برگزاری کنگره یعنی مجمع عمومی جمعیت اسلامی خواهیم رفت، تا با بازسازی صفوف خویش، برای کارهای بزرگتر ملی، مثل انتخابات ریاست جمهوری و شورای ملی گام بگذاریم.»

برگزاری مجمع عمومی، تغییرات بنیادی، ساختار تشکیلاتی، مرور به اساسنامه و تعیین زعامت انتخابی، خواست همگانی اعضای جمعیت اسلامی است که باید در رسیدن به این مأمول تلاش بخرچ داد، تا به تأیید فرمودهٔ سرپرست جمعیت اسلامی، شامل کارهای کلان ملی شویم.



اخوان المسلمین و فکر تشکیل حکومت اسلامی :

اخوان المسلمین از همان آغاز، اندیشه ی تشکیل دولت اسلامی را مطرح کرد و با این استدلال که یکی از عوامل عقب ماندگی مصر جدایی دین از سیاست است، شعار اسلام راه حل را پیش کشید.

حسن البناء بنیانگذار اخوان المسلمین تأسیس حکومت اسلامی را از اهداف اولیه خواند و منابع اساسی اسلام را قرآن و سنت معرفی کرد. او معتقد بود که بدون تشکیل حکومت اسلامی دنیای اسلام از سلطه استعمار رها نمیشود و جوامع مسلمانان به امنیت، صلح و پیشرفت نمیرسند. او از همه پیشتر وحدت جهان عرب و آزادی فلسطین را در تشکیل حکومت اسلامی سراغ میکرد، به اتحاد جهان اسلام انگشت میگذاشت و مسلمانان را امت واحد میخواند.

حسن البناء که تشکیل دولت و نظام اسلامی را هدف غایی این جنبش میخواند وظیفه چنین دولت مورد نظر خود را حراست از شریعت اسلامی می پنداشت. او به این قول محمدغزالی تمسک می جست که : "شریعت را اصل میدانست و سلطان را نگهبان و آنچی اصل ندارد ویران می شود و آنچی که نگهبان ندارد تباه است."

اما اندیشه و دیدگاه های اخوان المسلمین در مورد حکومت اسلامی برغم آنکه از همان آغاز بسیار روشن و مشخص نبود و یک تصویر شفاف از چنین حکومتی در عرصه ی تئوریک ارائه نکرد، به تدریج متغیر و متحول گردید. پس از فوت عمر التلسمانی مرشد سوم یا سومین رهبر اخوان المسلمین در سال ۱۹۸۶ جناح های معتدل و اصلاح طلب در درون اخوان المسلمین بیشتر رشد کردند و در صدد آن شدند تا افکار و اهداف اخوان المسلمین را با مقتضیات زمان و شرایط داخلی جامعه مصر و شرایط منطقه ای و بین المللی همآهنگ سازند.

اخوان المسلمین مصر در آستانه ی اقتدار سیاسی:

جنبش بهار عربی در سال ۲۰۱۱ عیسوی که به سقوط حسنی مبارک از ریاست دولت مصر انجامید، اخوان المسلمین مصر را به پشت دروازه های قدرت سیاسی برد. اخوان المسلمین که به عنوان یک حزب سیاسی حق فعالیت نداشت و در دهه های اخیر مشغول فعالیت اجتماعی و خیریه بود اولین مجلس بزرگ خویش را بنام شورای ارشاد پس از سقوط مبارک تشکیل داد. اعضای این مجلس برغم اختلاف بر سر حضور وفعالیت در حوزه سیاسی به تأسیس حزب آزادی وعدالت اقدام کردند. این حزب بریاست محمد مرسی و معاونیت عصام العریان از فعالان رهبری اخوان المسلمین شکل گرفت. هر چند احزاب و گروه های دیگر چون:حزب النهضهٔ برهبری ابراهیم زعفرانی، حزب الریاده برهبری خالد داوود، حزب اصلاح و توسعه برهبری حامد دفراوی و برخی گروه های کوچک دیگر در واقع از درون اخوان المسلمین جدا شدند اما بدنه اصلی آن به عنوان حزب آزادی و توسعه نیم کرسی های پارلمان را بدست آورد و برای اولین بار در تاریخ تأسیس اخوان المسلمین در ریاست پارلمان مصر قرار گرفت.

نفوذ اخوان المسلمین مصر در کشورهای اسلامی:

اخوان المسلمین در توضیح نخستین اهداف و مرام تشکیلاتی و مبارزاتی، خود را حرکت جهانی در رسیدن به آرمانهای اسلامی خواند. پس از شکل گیری این جریان، جنبش های مشابه در کشورها و جوامع مسلمان ازآن الهام و تأثیر پذیرفتند. حتا در کشورهای عربی اردن، سوریه و سودان جریان اسلامی به همین نام تشکیل یافت.

اخوان المسلمین اردن در سال ۱۹۴۶ در شهر امان پایتخت کشور تأسیس شد و با روش میانه روی و پرهیز از تقابل با دولت سلطنتی اردن به نفوذ فزاینده در جامعه دست یافت. حضور جمعیت کثیر فلسطینی در اردن به گسترش این نفوذ کمک کرد.

اخوان المسلمین سودان که در اواسط دهه چهلم سده بیست عیسوی شکل گرفت، در دوران رهبری دکتر حسن ترابی به دولت نمیری و صادق المهدی نزدیک شد و در صدد تطبیق اهداف خود مبتنی بر اجرای شریعت و اسلامی ساختن جامعه از طریق همکاری با دولت های سودان برآمد.

اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۳۵ عیسوی توسط مصطفی السباعی بنیاگذاری شد اما در تقابل با دولت قرار گرفت و دچار تفرقه و انشعاب شد. در اواخر دهه چهل شماری از اعضای اخوان المسلمین سوریه با تأسیس سازمانی بنام جبهه اسلامی سوریه وارد جنگ با دولت شدند. دولت حزب حاکم بعث برهبری حافظ الااسد در سال ۱۹۸۲عیسوی شورش اخوان المسلمین را در شهر حما به شدت سرکوب کرد. سپس در سال ۲۰۱۱ عیسوی که جنبش بهار عرب شکل گرفت، اخوان المسلمین باردیگر وارد جنگ با دولت بشار اسد در سوریه شد. اخوان المسلمین در لیبیا که در اواخر دهه چهل قرن بیستم عیسوی بوجود آمد پس ازسال ۱۹۶۹ عیسوی مورد سرکوبی دولت قذافی قرار گرفت. هر چند در سایر کشورهای عربی و اسلامی احزاب اسلامی با نام اخوان المسلمین ایجاد نشد ولی تأسیس آن احزاب در آن کشورها پس از اخوان المسلمین مصر با نام های مختلف در واقع با الهام و تأثیر پذیری از اخوان صورت گرفت. شاید مهم ترین عامل نفوذ و تأثیرگذاری اخوان المسلمین مصر در کشورهای اسلامی دنیا به ویژگی آن به عنوان نخستین تشکل سیاسی - اسلامی در سده بیستم و در زمان استیلای استعمار غرب بر جوامع مسلمان برگردد، اما سرکوبی این جنبش در کشور مادر برعکس به فرصت نفوذ آن در کشورهای اسلامی مبدل شد. فرار و مهاجرت اعضای این جنبش از مصر به کشورهای عربی به گسترش نفوذ اخوان المسلمین در این کشورها انجامید. مثلاً مهاجرت افرادی چون یوسف قرضاوی در قطر به فعالیتهای فرهنگی و تبلیغاتی اخوان المسلمین بیشتر میدان داد. آنها با ایجاد روابط نزدیک با خاندان حاکم آل ثانی، فضای مساعدی برای فعالیت های فکری خود بوجود آوردند.

۱- حزب النهضهٔ تونس:

حزب النهضهٔ تونس همچون بسیاری از احزاب اسلامی کشورهای عرب و مسلمان در تأثیر و الهام از اخوان المسلمین مصر شکل گرفت. این حزب برهبری راشد الغنوشی بوجود آمد که سیدقطب از فعالان تیوری پرداز اخوان المسلمین مصر و ابوعلی مودودی بنیانگذار جماعت اسلامی پاکستان در اندیشه های وی تأثیر گذار بودند. علی رغم آن غنوشی برخلاف سیدقطب و مودودی به عنوان چهره میانه رو و نوگرای جریان اسلامی تبارز کرد. او نظریات خود را در مورد حقوق شهروندی در اثرش به نام آزادی ها در اسلام نوشت و تصویری میانه روی از خود ارائه کرد. غنوشی دموکراسی را با اسلام قابل تلفیق میداند و میگوید:«میکانیزم ها و شیوه های مربوط به اداره و روابط بشری در حکومت اسلامی چندان تفاوتی با نظام رایج جهانی به نام دموکراسی ندارد. به عبارت دیگر، حکومت اسلامی با حاکمیت اکثریت که در شکل انتخابات آزاد و وجود مجلس شورا، مجالس محلی و وجود قوه قضاییه مستقل و احترام به افکارعمومی تجلی پیدا میکند، موافق است. . . .»

غنوشی پس از سرنگونی حکومت بن علی که درتبعید به سر میبرد در سال ۲۰۱۱ عیسوی به تونس بازگشت. او هنگام مبارزات انتخاباتی در اکتوبر ۲۰۱۱ در برابر این پرسش که چرا در تبلیغات حزب النهضهٔ شریعت اسلامی منبع قانونگذاری معرفی نمی شود، پاسخ داد: " دین و دولت در قانون اساسی ما اسلام است. دولت تونس دولت بدون دین نیست. هیچکس نمیتواند ادعا کند که دین را نمایندگی میکند، نه حزب النهضهٔ و نه دیگران. در واقع این جامعه است که دین را در سیاست ها و قوانین و آداب بازتاب میدهد. به گمانم معنای اینکه شریعت مبنای قانون گذاری باشد، این است که تدوین قوانین را به یک دولت شهر وندی واگذارکنیم." سپس حزب النهضهٔ که انتخابات را برد و ریاست حکومت را بدست آورد در ۲۶مارچ ۲۰۱۲ از تقاضای احزاب و جریانهای افراط گرای اسلامی در مورد تدوین قانون اساسی بر مبنای شریعت اسلامی حمایت نکرد.

علاوه ازحزب النهضه تونس احزاب اسلام گرای دیگر نیز در تونس فعالیت دارند که به طور عموم در دو گروه اصلاح طلب و نوگرای اسلامی و گروه بنیادگرای سلفیت دسته بندی می شوند.

د افغانستان–پاکستان استراتیژیک...

چارو وزیر لخوا پدې هکله رسمي شکایت او د بې اطمینانۍ څرګندونه وشوه، چې بالاخره تیره اونۍ د عمومي اسامبلۍ د غونډې پر مهال د دوارو هیوادونو ترمینځه د انګلستان د صدراعظم په وساطت د یو استراتیژیك تړون پیشنهاد وشو او د دوارو هیوادونو ولسمشرانو پرې اتفاق وکړ. استراتیژیك تړونونه، لکه چې له نامه څخه یې جوتیږي، معمولاً د یو داسې متن لرونکي اوسي چې د لاسلیك کوونکو لوریو ترمینځه د باور د ایجاد په منظور خینې په ګوته شوو اهدافو ته د رسیدلو لپاره پرې په ټګلارو توافق کیږي؛ لکه چې پدې لړ کې د افغانستان هیواد د امریکې، فرانسې انګلستان، هندوستان او ایټالیا له هیوادونو سره هم، داسې استراتیژیك تړونونه او یا سندونه لاسلیك کړي دي چې د متن او محتوی له مخې یو له بل څخه خینې توپیرونه لري.او له دغو هیوادونو سره دا ډول سندونه ځکه لاسلیك شوی چې له دوې څخه هر یو یې د افغانستان په ثبات ساتلو کې رول لري او په نړیوال سیاست کې د ځانګړي موقعیت او ځواك لرونکي هیوادونه دي. پاکستان هم پدې تله یو برابر هیواد دی خو له نورو هیوادونو څخه یې توپیر پدې کې دي چې له دغو هیوادونو څخه، د ګاونډیانو لخوا افغانستان ته د راولاړ شوو ناامنیو په له مینځه وړلو کې د رول لوبولو او د اړتیا په وخت کې د هغوی د مرستې د لاسته راوړلو هیله کیږي، خو پاکستان بیا هغه هیواد دي چې د افغانستان د ستونزې کیلي یې په لاس کې ده او چې افغانستان ته پیښه ده نو له همدې خاورې څخه ورته راپیښه شوې ده.

نو ځکه ددغه هیواد سره تړون د هغې د اړتیا او محتوی له مخې له نورو څخه باید توپیر ولري؛ که چیرې دا حقیقت دی چې پاکستان له بل هر هیواد څخه په افغانستان کې د امنیت او ثبات په ټینګولو کې ډیر اغیزمن رول لري او ښایې ورسره د تړون په لاسلیك کولو کې د تړون محتوی او غوښتنو منلو ته دغه هیواد ژمن کړای شي خو دا هم حقیقت دی چې داسې استراتیژیك تړونونه چې معمولاً پکې د لاسلیك کوونکو هیوادونو لخوا یو بل ته د هغوی د ځمکنۍ بشپړتیا او ملي حاکمیت منلو ته ژمنتیا ورکول کیږي، چې د دغې ټکي په منلو سره به د افغانستان هیواد د پاکستان د ځمکنۍ بشپړتیا منونکی وګرځي؛ پداسې حال کې چې د ډیورنډ لیکه د افغانستان هیواد نده منلې او هغه مهال د افغانستان لخوا له انګلستان سره لاسلیك شوي تړون باندې د اعتبار موده (سل کلونه) لادوه لسیزې وړاندې تیره شویده. او له اوږدې مودې راهیسې د افغانستان پر خلاف د پاکستان د دوه ګوني پالیسۍ بنیادی لامل هم، ښایي همدغه ویره اوسي چې د شنونکو په باور له نږدې دوه وو کلونو راهیسې په پرله پسې توګه تر دا مهاله د دوه زرو په شاوخوا کې د توغندیي بریدونو موخه د پاکستان لخوا په مرګ نیولو او پر تبه د راضي کولو غونډې هڅه معلومیږي. چې کیدای شی د پاکستان د استراتیژیك دوست او تاریخي استاد (انګلستان) لخوا اوس د تړون په لاسلیك کولو سره پاکستاني اراده له شف شف څخه شفتالو شوی وي، او دا هم کیدای شي چې پاکستان نور دې نتیجې ته رسیدلي وي چې د پټ پټوني جګړې پر ځای د دپلوماسي لیار ورته مؤثره ښکاره شوی وي. او هم کیدای شی چې پدې وروستیو کې د پاکستان د بل استراتیژیك دوست (چین) لخوا په افغانستان کې د پانګونې د نوې ارادې سره پاکستان هم نوره د دپلوماسي لیار آغیزمنه ګڼلي وي. نو دا د افغانستان د واکمن نظام تاریخي مسوولیت دی چې د داسې استراتیژیك تړون لاسلیك کولو څخه د مخه د هغې د اړتیا په کچه، د تړون په محتوی کې ځیرکتیا هم وښایي، څو په تړون کې داسې مواد ځای نشي چې پاکستان یې د افغانستان پرخلاف د خپلې رواني پالیسي لپاره سند او دلیل وګڼي. نو اړینه ده چې ددغې هیلې ګواښونه هم وارزول شي.

نیروهای ناتو و افغان

هفته نامهٔ اکونمیست ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۲

برگردان: مسعود اندیشمند

در جریان چند ماه اصرار برین بود که حملات حلقات داخلی (حملاتِ توسط پولیس افغان بالای پولیس خارجی) ماموریت نیروهای ائتلاف به رهبری ناتو در افغانستان را منحرف نخواهد ساخت. اما حالا فرماندهٔ امریکایی بخش ناتو جنرال جان آلِن دستور داد که از عملیات مشترک ناتو با پولیس و سربازان افغان "به طور موقت" کاسته شود تا خطر بیشتر تیراندازی "سبز-بالای-آبی" (نیروهای افغان بالای نیروهای ناتو) کاهش یابد. به نظر می رسد که این تصمیم در واشنگتن پس از موجی از کشتار بیشترِ (نیروهای ناتو) رخ داده است. در ۲۴ ساعت قبل ازین دستور در ۱۶ ام سپتامبر، دو بریتانیایی و چهار امریکایی توسط افراد پولیس افغان به ضرب گلوله کشته شدند، که تعداد کشته شدگانِ سربازان نیروهای ائتلاف از چنین حوادث در سال جاری تا کنون به ۵۱ نفر می رسد، در مقایسه با ۳۵ کشته در سال ۲۰۱۱ و فقط ۲ کشته در ۲۰۰۸.

هر چند وزیر دفاع بریتانیا، فیلیپ هاموند روز بعدی به مجلس عوام گفت که در خط مشی سیاسی (در مورد افغانستان) تغیری نخواهد آمد، اما این حوادث پیامد های عمیق استراتژیک را در بر خواهد داشد. از هم اکنون افسران ملزم خواهند بود تا به خاطر پیوستن با نیرو های افغان در عملیات های پایین تر از سطح گردان (کندک)، از جنرال ارشد باید خواهان مجوز شوند. این عملیات های کوچکتریست که به طور معمول شامل گشت و کاروان هایی می شود که اکثراً فعالیت های روزمرهٔ نظامی را علیه طالبان و شورشیان دیگر انجام می دهد. پیش ازین دستور، این نوع عملیات تا به حال به طور معمول با ترکیب نیروهای ناتو و افغان انجام می شد. فلسفهٔ ائتلاف ناتو این بود که هم پیمانان (نیروهای ناتو و افغان) باید "شانه به شانه" با هم یکجا کار کنند. در بسیاری مناطق فرماندهان این را اجباری ساخته بودند تا نیروهای شان با نیروهای افغان در هرکاری که انجام می دهند مساعی مشترک و واحد داشته باشند. این فرماندهان معتقد بودند که کنار هم کار کردن، بهترین راه برای آموزش و حمایت از نیروهای نوپای افغان است.

بریتانیا هنوز ۹۵۰۰ سرباز در جنوب افغانستان دارد و این نیروها در حفظ روابط نزدیک با همکاران افغان خود متعهد اند. اگر جنرال آلن به زودی این تصمیم خود را تغییر ندهد، راهبردِ ناتو که واگذاری همهٔ مسؤولیت های امنیتی به نیروهای افغان و در نهایت پایان دادن به تمام عملیات جنگی در پایان سال ۲۰۱۴ می باشد، به شدت تضعیف خواهد شد.

<u>در حال حاضر، علائمی آشکاراست که فرماندهان افغان که بیشتر به قدرت آتش نیروهای ناتو تکیه دارند و اینکه آنها به کمبود آموزش مواجه اند تا بتوانند در وقت ضرورت کمک هوایی را فرا بخوانند، که این همه باعث بی میلی تعامل نیروهای افغان با دشمن می شود. همینطور، برای نیروهای ناتو، فعالیت نمودن بدون نیروهای افغان در کنار هم برای کمک به مردم محل و برای بازرسی خانه ها و گشت زنی خیلی دشوار خواهد بود. گزارش و تحلیل های اولیهٔ روزنامه نگاران تعبیه شده با واحد های امریکایی این است که بسیاری از عملیات یا لغو می شوند و یا هم اینکه به تعویق انداخته می شوند.</u>

در مورد علت افزایش این نوع حملات از حلقات داخلی اختلاف نظر وجود دارد. موقف رسمی ناتو درین مورد این است که تنها یک چهارم این نوع حملات در نتیجهٔ نفوذ یا تهدید طالبان می باشد، ولی بقیهٔ آن ناشی از اختلافات محلی است که اغلب تفاوت های فرهنگی باعث بروز چنین حملات می گردد. برخی از نیروهای امریکایی احساسات خود را در مقابل همکاران افغان شان نمی توانند پنهان نگهدارند. آنها فکر می کنند که همکاران افغان شان یک عده آدم های تنبل و معتاد به مواد مخدر اند، و در حالی که افغان های همکارشان عمیقاً منزجر اند. دولت افغانستان به نوبهٔ خود درین مورد معتقد است که دست ادارهٔ اطلاعات خارجی (پاکستان و ایران) در تطمیع و تهدیدِ افراد تازه استخدام به سوی خشونت دخیل است.

ممکن است که همهٔ این نظریه ها عناصری از حقیقت را در خود داشته باشد، اما حتی در حالی که تنش در میان نیروهای افغان افزایش یافته است و در عین حال مسؤولیت بیشتر به دوش افغان ها گذاشته شده است، ولی آنها به ندرت اجازه مرخصی می گیرند و در عین حال میزان تلفات آنها به مقایسه با نیروهای ائتلاف ناتو بسیار بالاتر است. امکان این می رود که به خاطر ترس از تشویق بیشتر طالبان، از سرعت نفوذ بیشتر نیروهای تازه استخدام جلوگیری شده باشد.

حال پرسش اینجاست که درین مورد چه می توان کرد؟ بخشی از مشکل با استخدام سریع و گسترده در ارتش و پولیس تازه دم حل می شود. هدفِ امسال نائل شدن به ۳۵۰۰۰۰ سرباز بود که در حال حاضر این تعداد کامل شده است که نمایانگر بیش از دوچند تعداد سربازان سه سال پیش است. چون میزان انفکاک و غیبت سربازان (تلفات و باز نشستگی، و عمدتاً غیابت طولانی بدون مرخصی) بیش است، حفظ این تعداد نیاز به تلاش پایدار دارد. اکنون برای انتخاب سربازان جدید و همچنان سربازانی که بعد از غایب شدن ناگاه دوباره بر می گردند، روش انتخاب و بررسی آنها سخت تر شده است. تلاش های ضد جاسوسی همچنان افزوده شده است و همچنان دستورات اضافی داده شده تا مراقب نیروهای ائتلاف ناتو در هنگام کار کردن با افغان ها باشند. بهبود شرایط زندگی سربازان افغان هم شاید کمک کند.

به هر حال، هیچ یک ازین اقدامات یک راه حل سریع برای این مشکل نیست. مقر نیرو های ائتلاف ناتو در کابل این دستور را (کاهش عملیات مشترک نیروهای ناتو با نیروهای افغان) یک نوع سازش ماهرانه خوانده در حالی که خطر افزایش این نوع حملات در واکنش به فیلم ضد اسلامی است که که در امریکا تولید شد. بعد ازینکه واکنش های خشونت آمیز به خاطر این فیلم فرو بنشیند، امکان این به وجود می آید تا عملیاتِ تحت نظارت (نیروهای ناتو یکجا با نیروهای افغان) به شکل عادی خود برگردد. و همچنان برای جنرال آلن بعد از ختم انتخابات ریاست جمهوری لغو این دستور آسانتر خواهد بود.

اما عجالتاً، اعتماد (در بین نیروهای ناتو و افغان) ضربه دیده که برای طالبان پیروزی قابل توجهی می باشد. هر اتفاقی که سپس رخ بدهد، زیربنای راهبرد تمام تلاش ناتو – انتقال پیروزمندانهٔ های امنیتی برای خود افغان ها – که هرگز کار آسانی نبوده است، به چالش جدی روبرو می شود.



هشدار رئیس جمهور کرزی...

سیاست افغانستان بازی ناکام و شکست خورده انجام داد. او آنچه را که امروز رئیس جمهور کرزی از تجهیز ارتش افغانستان با سلاح سنگین در مقابله با تهدید پاکستان می خواند، نیم قرن قبل (۱۹۶۳ – ۱۹۵۳) در کرسی صدارت انجام داد. لویه جرگه را دایر کرد (۱۹۵۵) و تأیید این تجهیز ارتش را با اسلحهٔ روسی و تأمین روابط نظامی با شوروی در مقابله با پاکستان و آزاد سازی به قول خودش پشتونستان محکم گرفت. سردار محمد داود این سیاست را ادامه داد. او در این سیاست با یک مؤفقیت و دو ناکامی قربانی شد. مؤفقیت وی به تجهیز ارتش به سلاح روسی بر می گشت، اما ناکامی او در مقابله با پاکستان و آزادی سازی پشتونستان محکوم بود. خود و خانواده اش از نخستین قربانیان این سیاست ناکام بودند.

تشابه انتظارات رئیس جمهور کرزی از امریکا با مطالبات محمد داود از شوروی :

جالب این است که انتظارات حامد کرزی از امریکایی ها با.انتظارات سردار محمد داود از شوروی در روابط پاکستان و افغانستان مشابهت کامل دارد. اگر سردار محمد داود با شوروی از طریق روابط نظامی مناسبات دوستانه برقرار کرد و ارتش افغانستان را در حوزهٔ نفوذ شوروی و بلاک سوسیالیستی به رهبری شوروی در آورد، انتظار داشت تا روس ها سیاست های خارجی او را در مقابله با پاکستان تأیید کنند و حتا در حالت رویارویی نظامی او را یاری رسانند. حامد کرزی نیز در توهمی چنین انتظاری از امریکایی ها به سر می برد. این گفتهٔ او در آخرین کنفرانس مطبوعاتی اش (۴ اکتوبر ۲۰۱۲) که "امریکا به عنوان بزرگترین متحد استراتیژیک افغانستان هنوز نپذیرفته است که افغانستان از سوی پاکستان مورد حملات راکتی قرار می گیرد"، حکایت از چنین انتظاراتی دارد.

یکسانی سیاست های دیروز شوروی و امروز امریکا در دعوای افغانستان و پاکستان:

اما جالب تر از انتظارات مشابه سردارمحمد داود و رئیس جمهور کرزی از روس ها و امریکایی ها، تشابه و یکسانی سیاست روس ها و امریکایی ها در دو دورهٔ مختلف زمانی در مناسبات و دعوای افغانستان و پاکستان است. روس ها در همان زمان شوروی که در رأس این امپراتوری فروپاشیده قرار داشتند و حتا در آغاز مناسبات دوستانه و روابط نظامی با افغانستان از جانبداری موضع کابل در منازعه با پاکستان سخن گفتند، اما در سال های بعدی و در عمل حتا به حمایت سیاسی و لفظی از موقف دولت افغانستان نپرداختند. سیاست امروز امریکایی ها نیز در منازعه میان افغانستان و پاکستان در واقع همان سیاست دیروز روس ها در زمان شوروی است. بسیاری از سیاستمداران افغانستان از محمد داود تا زمامداران حزب دموکراتیک خلق در توهم همکاری و حمایت روس ها در منازعه و مخاصمت با پاکستان بر سر خط دیورند و گویا پشتونستان محکوم زیر خاک رفتند. و امروز انتظار حمایت امریکا و ناتو از افغانستان در منازعه با پاکستان توسط حاکمان کشور ما و بیرون از حلقهٔ حاکمیت نیز سرابی بیش نیست. وقتی از یک افسر افغان در مورد موقف امریکایی ها بر سر گلوله باران مناطق مرزی کنر پرسیدم که آیا شما را در حملهٔ متقابل همکاری می کنند، گفت: امریکایی ها به ما می گویند وقتی می خواهید با پاکستان بجنگید سلاح های ما و کمک های ما را به زمین بگذارید.

مشکل سیاسی و راه حل سیاسی:

آیا با تجهیز ارتش به سلاح سنگین که رئیس جمهور کرزی در جهت مقابله با پاکستان از رجوع به روسیه، چین و هند سخن می گوید می توان مشکل با آن کشور را حل کرد؟ این ابراز نظر و این آرزو تا چه حدی دست یافتنی و عملی خواهد بود؟ و آیا این سیاست حتا در مرحلهٔ ادعا و تبلیغات به نفع افغانستان در جهت ثبات و پیشرفت است؟

ممکن است پاسخ های متفاوتی به این پرسش ها ارائه شود؛ اما آنچی که وضاحت دارد به سیاسی بودن مشکل میان افغانستان و پاکستان بر می گردد. منازعه میان افغانستان و پاکستان منازعهٔ سیاسی است و راه حل منازعه هم راه حل سیاسی می طلبد. با خریداری چند سلاح سنگین از روسیه و چین و هند نمی توان مشکل سیاسی خود را با پاکستان اتومی که ریشه در بیشتر از نیم قرن گذشته دارد، حل کرد. با خرید اسلحهٔ سنگین نیز نمی توان به توازن نظامی با پاکستان دست یافت. افزون بر آنکه هزینهٔ خریداری سلاح از آن کشورها در توان افغانستان نیست، آرزوی خرید اسلحهٔ سنگین از آنها در شرایط افغانستان، با منافع کشورما در جهت ثبات و پیشرفت سازگاری ندارد.

اما آیا در افغانستان اراده و عزم سیاسی برای حل سیاسی مشکل با پاکستان شکل خواهد گرفت؟ و یا آنکه افغانستان همچنان در گرو سیاست های ناکام حاکمان خود قربانی باقی خواهد ماند.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما-
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۲۸) ۲۲ میزان ۱۳۹۱ ۲۷ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۳ - 13 October 2012

د افغانستان ـ پاکستان استراتیژیك تړون په اړه هیلې او ګوابنونه

د رفیق بحر لیکنه

د سپتمبر په میاشت کې د ملګرو ملتونو د عمومي اسامبلې د غونډې پر مهال د افغانستان او پاکستان دواړو هیوادونو ترمینځه د انګستان هیواد په منځګړیتوب په دایره شوي دریځ اړخیزه ناسته کې د یو استراتیژیك تړون د برابرولو او لاسلیك کولو پریکړه وشوه.

ددغه استراتیژیك تړون د رامینځته کېدو په اړه د هیواد به رسنیو کې ډول ډول تبصرې کیږي او د ګټورتیا او زیانونو په اړه یې مختلف نظرونه وړاندې کیږي. خو هغه څه چې واقعیت دی هغه دادی چې د سیمې د دواړو هیوادونو ترمینځه د اړیکو ښه والی او خپلمنځي باور رامینځته کیدل یوه ستره اړتیا ده او دا هم یو حقیقت دی چې د افغان جهاد بری ته له رسیدو وروسته د دواړو هیوادونو ترمینځه خپلمنځي باور او اړیکې وخت ناوخت خرابې شوی او ترینګلې شوی دي چې پدې وروستیو کې د پاکستان له خاورې څخه د نورستان، کنړ او ننګرهار د ولایتونو په ځینو ولسوالیو باندې پرله پسې توغندیو ورولو د دواړو هیوادونو اړیکې خطرناك پړاوو ته رسولي دي؛ چې پخپله د پاکستان د پوځ لخوا دغه عمل د یوې ګونګې جګړې غمازي کوي.

ددغه بریدونو په هکله د افغانستان د ملي شورا، سیمه ایزو چارواکو او ولسمشر لخوا د پاکستان حکومت ته ګوته څنډني شوي او هم د ملګرو ملتونو د امنیت شورا ته د افغانستان د بهرنیو

۶مخ

عمران منزل وواهه او ملالۍ یوسفزۍ په ښنبه شوه

شفیق

تیره اونۍ پاکستان د دوه وو داسو جلا جلا پیښو شاهد وو چې د یوې هېرو د پاکستان د کرکټ لوبډلې پخوانی کپتان او له نړدې دوه وو لسیزو راهیسې د پاکستان په سیاسي افق را څرګند شوی د انصاف ګوند مشرعمران خان وو او د بلې قصه د هغې څوارلس کلنې سواتۍ پښتنې پیغلوټې ملالۍ یوسفزۍ له طالبانو څخه ډکه سیمه سوات کې د ښوونځو او فرهنګي یون قصه وه چې بالاخره تیره اونۍ نوموړې د طالبانو لخوا ښنبه وګرځیده. چې دغو دواړو خبرونو د سیمې د رسنیو پرته په نړیوالو رسنیو هم د واکمنۍ وزرې وغوړولې. ددغو دواړو پیښو هیروګان پښتانه وو خو لوموړي د خپلې ارادې سره تاکلی منزل وواهه او روغ رمټ له خپله منزل څخه راستون شو او دوهمه په خپل پیل کړی یون کې د طالبانو ښنبه و ګرځیده.

د پاکستان په قبایلي سیمو باندې د امریکایي بې پیلوټه (ډراوون) الوتکو په بمباریو او توغندیو ورولو باندې ددغه هیواد د مذهبي حلقو او دیني ګوندونو له پرله پسې نیوکو وروسته، پدې وروستیو کې د انصاف ګوند د مشرعمران خان لخوا هم نیوکې اوج ته رسیدلې وې او پدې اړه یې د پاکستاني ولس لخوا د کرکې څرګندولو د اظهار په توګه ددې هوډ کړي وو چې له اسلام آباده به تر وزیرستانه یو احتجاجي موټریز یون وکړي چې دغه کار یې د تیرې اونۍ په سر کې ترسره کړ او د پاکستان له بیلا بیلو سیمو څخه ورسره له زور زیاتې موټرو په کاروان کې ملتیا کوله؛ د نوموړی منزل تر وزیرستانه تګ وو خو لکه چې له پیله د نوموړي ددغه احتجاجي یون څخه د ګرځیدو لپاره د پاکستان دولت تابیا نېولې وه چې له دې کار څخه یې منصرف کړي نو د نوموړي کاروان یې له ټانګ سیمې څخه مخکې تګ ته پرینښود او هم د طالبانو لخوا د نوموړي د کاروان په اړه متضاد دریځونه رامینځته کیدل چې په آغاز کې ورته اشاره شنه شوې وه خو بیا په وروستیو کې د طالبانو لخوا هم عمران د لویدیځ یو بړیخې وګڼل شو. نو ځکه یې تر وزیرستانه پورې تګ له خطر او ګواښونو خالي نه وو، چې له اصله یې عمران هم په خپل تصمیم کې نرمښت وښوده او د ټانګ په سیمه کې په سړك باندې راولاړ شوو موانعو او رکاوټونو څخه یې د اوښتلو هڅه ونکړه. او یوازې تردې خایه پورې تګ باندې یې اکتفاء وکړه خو په خپل دې کار سره یې نړیوالو ته پیغام ورساوه چې پاکستاني ولس د ډراوون حملو مخالف دی. او دغه عملیات د پاکستان د ملي حاکمیت پر خلاف یو ګام دی خو پدې هر څوك پوهیږي چې د امریکا دغه اقدام د پاکستاني حکومت له هوکړې پرته ممکن ندی او د خلکو ګوند حکومت خامخا په پټه کې پدې اړه له امریکا سره توافق لری.

د عمران خان ګوند ته د جاوید احمد هاشمي او شاه محمود قریشي له ورتګ وروسته د نوموړی په هکله دا ویل کیږي چې د پاکستاني استخباراتو لخوا د یو منظم پلان له مخې د عمران خان د مطرح کولو هڅې رواني دي. ښایې چې دغه یون هم ددې لړۍ یو کړۍ اوسي چې کولای شي په پاکستاني ولس کې پدې کار سره محبوبیت ترلاسه کړي. عمران د طالبانو د ګواښونو او د پاکستاني حکومت د ویرولو سره سره هم بیرته پاکستان ته ژوندی ستون شو خو د پاکستان په بله برخه کې د طالبانو د غورځنګ لخوا په سوات کې د انجونو د ښوونځیو د تړلو او ګواښونو پرخلاف یوه داسې پښتنه پیغلوټې له څو میاشتو راهیسې په خپل پیل کړي انقلابي یون کې په ښنبه شوه چې ټول ټال څوارلس کاله عمر لري خو د پښتنو په سیمه کې یې یو تعلیمي انقلاب راوستل غوښتل او پدې لړ کې یې څو تعلیمي اداري خلاصي کړې وې. دغه پیغلوټې ملالۍ یوسفزۍ نومیږي.

دا چې دا د پښتنو ګناه ده او کـه د نورو؟ څیړل یې ددې لیکنې حوصله نه ایجابوي خو هغه څه چې حقیقت دي، هغه دادي چې پښتانه څه روڼ اندی تباه کړل او څه هم وروسته پاتې والي، که د یوې خوا یې د اسلام ازلي دښمنانو په تېمر اور بل کړي او د ډراوون الوتکو پیرانیو حملو ورڅخه خوب تښتولې او د شپې په خواږه خوب ویده پښتانه په ښنبه کوي نو د بلې خوا انقلابي او لنډ فکرو اوړیکو هم د خپل ولس پسې پښې رابډوهلي دي او هغه څه ترسره کوي چې ګټه یې بیا هم بل چاته رسیږي. په سیمه کې د جګړې روان غوبل او حشر جوړول که د نورو سازش دی او نړیواله جګړه دې سیمې ته راتګ د مسلمانانو دښمنانو طرح کړي خو پښتانه یې ولی اوړدوي!! او ځانونه یې د اور لړګي ګرځوی؟ کاشکې پښتانه او د سیمې مسلمانان هم داسې سیاسي بصیرت او قیادتونه پیدا کړي چې کورته یې راغلې د نورو د جګړو تغر نور ورټول کړي.

تقابل منطقه یی و بحران سوریه



***نوشتهٔ تکساری**

خشونت و نا آرامی در سوریه به نزده ماه کشیده شد و بسیاری از شهر های این کشور از بین رفته و زیر ساخت های آن یا نابود گردیده و یا در حال نابودی قرار دارد. در ظرف این مدت تمام طرح ها و پیشنهاد ها، به شمول طرح ملل متحد، شورای متحد عربی و سائر طرح ها در خصوص بحران سوریه بی نتیجه بوده است. حوادث سوریه منحصر به این کشور باقی نمانده و تبعات منفی آن به سوی کشور پر قدرت نظامی ترکیه نیز کشیده شده است. کشور ترکیه از آغاز تشنج تا اکنون از مخالفان سوریه حمایت نموده و تعدادی از مهاجران سوری را نیز در خود جا داده است، در حال حاضر در یک سو کشور ترکیه قرار دارد که از مخالفان سوریه حمایت می کند و از سو دیگر سرویه از حزب پ _ ک. ک که در ترکیه غیر قانونی است پشتیبانی می کند. به گفتهٔ تحلیلگران سیاسی میزان حمایت کشور ترکیه از مخالفان سوریه بیشتر از حمایت سوری ها از حزب پ_ک .ک بوده است.

حوادث اخیر در مرزهای این کشور، در حقیقت اولین تجاوز دو طرف به تمامیت ارضی طرف دیگر نیست؛ بلکه تا کنون حوادث مشابهی در گذشته رخ داده است که طرف ترکیه از آنها چیزی به میان نیاورده است. این درگیری مرزی دو کشور را در حالت تقابل و رویارویی قرار داده و دستگاه توپخانه یی ترکیه بعد از آنکه چند خمپاره به یکی از قریه های مرزی سوریه اصابت کرد و منجر به کشته شدن پنج تن از شهروندان ترکی گردید، قسمت های از سوریه را آتش باری نمود و حکومت ترکیه بعد از تائید پارلمان کشورش مبنی بر دفاع ارضی از هر گونه تجاوز از سوی سوریه، برای مردم ترکیه هشدار داد که در هر نوع برخورد نظامی آمادگی داشته باشند. در اوضاع موجود، تشنج میان دو کشور به حد است که احتمال درگیری مستقیم بین دو کشور بعید به نظر نمی رسد. کشور ترکیه یکی از متحدان ناتو است و این سازمان به شدید ترین لحن حمله راکتی به ترکیه را از سوی سوریه تقبیح نموده است و در بروکسیل مقر ناتو این موضوع تحت نظارت دقیق قرار دارد و گفته شده است که ترکیه حق دارد تا از خود دفاع نماید. نمایندهٔ گواتیمالا که رئیس دوره یی شورای امنیت می باشد، این حمله را مخالف قوانین بین المللی خوانده است. رجب طیب اردوغان صدراعظم ترکیه گفته است که کشورش ارادهٔ ورود به جنگ را ندارد و تصمیم پارلمان ترکیه با انجام عملیات نظامی در خاک سوریه، به معنی اعلان جنگ علیه دمشق نیست ولی ارتش ترکیه می تواند از شهروندان خویش حمایه نماید، چین، روسیه، امریکا و جامعهٔ اروپا از خویشتن داری دو کشور سخن گفته است. در اوضاع و شرایطی که جنگ سوریه از مرز خویش پا فراتر گذاشته است، نخست وزیر این کشور آیندهٔ سوریه را بستگی به پیروزی این حاکمیت در برابر مخالفان خویش می داند و مخالفان این کشور را دهشت افگن می خواند.

بدون شک جنگ در سوریه امروز تمام زیر ساخت های این کشور را از میان برده و شهر های بزرگ این کشور را به مخروبه تبدیل نموده است. کشورهای غرب و امریکا از مخالفان این حکومت به طور آشکار حمایت مالی می نماید، به همین ترتیب کشور های چین و روسیه در شورای امنیت، در برابر تصامیم سائر این شورا قرار گرفتند و بر حل سیاسی در سوریه تاکید نمودند و این تفاهم پیشنهادی این دو کشور کاری را به جای نبرد و جنگ را در سوریه شدت بخشید. از جانب دیگر ترکیه همسایهٔ این کشور به مخالفان سوریه پیوست و ایران کشور سوریه را مورد حمایت مالی و نظامی قرار داد و در نتیجه بهار عرب در سوریه نه تنها بهار به وجود نیاورد؛ بلکه فاجعه آفرید و کشور سوریه را به ده ها سال عقب انداخت.

امروز در حقیقت در سوریه دولتی نیست که بر قلمرو خویش حاکم باشد. در تعدادی از شهرها و مرزها ارتش آزاد سوریه قرار دارد و این مناطق در اختیار این ارتش می باشد و این ارتش آزاد مورد حمایت بسیاری از کشور ها قرار دارد. این کشور تعداد زیادی از مهاجران را به کشور های همسایه تحویل داده و میزان جنایت در این کشور در ده های اخیر بی نظیر می باشد. همه روزه سوریه به بهانهٔ از میان بردن مخالفان خویش، شهروندان خود را با مِگ های ساخت روسی مورد حمله قرار می دهد و در این روز ها پیشنهاد حکومت انتقالی در سوریه از سوی ترکیه عنوان می شود که جایی را به پیش نخواهد برد. اما گفته می شود که سرنوشت این کشور یک مقدار بستگی بر انتخابات در امریکا دارد.

در ظرف شش روز بدینسو همه روزه مرزهای سوریه و ترکیه مورد تبادل آتش دو طرف قرار دارد، ترکیه تعداد زیادی از عساکر خویش را به مرز فرستاده است. فعلاً آیندهٔ سوریه در یک سردرگمی قرار دارد و تا زمانی که کشورهای قدرتمند جهان روی یک استراتیژی مشترک توافق نکنند مشکل سوریه به حال خود باقی خواهد بود.